

دار الكتب العلمية، ۱۴۱۸ق؛ الغارات: ابراهيم بن محمد الثقفي (م. ۲۸۳ق.)، به كوشش سيد جلال الدين محدث ارموي، انجمن آثار ملي، ۱۳۵۶ش؛ فتوح البلدان: احمد بن يحيى البلاذري (م. ۲۷۹ق.)، بيروت، دار و مكتبة الهلال، ۱۹۸۸م؛ الفتوح: احمد بن محمد بن اعثم كوفي (م. ۳۱۴ق.)، به كوشش علي شيري، بيروت، دار الاضواء، ۱۴۱۱ق؛ الكامل في التاريخ: علي بن محمد بن الاثير (۵۵۵-۶۳۰ق.)، بيروت، دار صادر، ۱۳۸۵ق؛ لغت نامه: دهخدا (م. ۱۳۳۴ش). زير نظر محمد معين و سيد جعفر شهيدى، تهران، مؤسسه لغت نامه و دانشگاه تهران، ۱۳۷۳ش؛ المعجب: محمد بن حبيب (م. ۲۴۵ق.)، به كوشش ايلزه ليختن شتير، بيروت، دار الافاق الجديدة، بی تا؛ مروج الذهب و معادن الجوهر: علي بن الحسين المسعودي (م. ۳۴۶ق.)، به كوشش يوسف اسعد داغر، قم، هجرت، ۱۴۰۹ق؛ المعارف: ابن قتيبه دينوري (۲۱۳-۲۷۶ق.)، به كوشش ثروت عكاشه، قم، شريف رضى، ۱۳۷۳ش؛ معجم البلدان: ياقوت بن عبدالله الحموي (م. ۶۲۶ق.)، بيروت، دار صادر، ۱۹۹۵م؛ المعرفة و التاريخ: يعقوب بن سفيان الفسوي (م. ۲۷۷ق.)، به كوشش العمري، بيروت، الرساله، ۱۴۰۱ق؛ مناهل العرفان: الزرقاني، به كوشش امين سليم، بيروت، دار احياء التراث العربى، ۱۴۱۶ق؛ المنتظم في تاريخ الملوك و الامم: عبدالرحمن بن علي ابن الجوزي (م. ۵۹۷ق.)، به كوشش محمد عبدالقادر عطا و مصطفى عبدالقادر عطا و نعيم زرزور، بيروت، دار الكتب العلمية، ۱۴۱۲ق؛ نهاية الارب: احمد بن عبدالوهاب النويري (م. ۷۳۳ق.)، قاهره، دار الكتب و الوثائق، ۱۴۲۳ق؛ نهج البلاغه: شريف الرضى (م. ۴۰۶ق.)، شرح

صبحى صالح، قم، دار الاسوه، ۱۴۱۵ق؛ وفيات الاعيان و انباء ابناء الزمان مما ثبت بالنقل او السماع او اثبته العيان: احمد بن محمد بن خلکان (م. ۶۸۱ق.)، به كوشش احسان عباس، بيروت، دار صادر، ۱۴۱۴ق.

حسين مفتخرى



### حجاز: خاستگاه دين اسلام در شمال غربى

شبه جزيره عربستان

حجاز، به عنوان خاستگاه دين اسلام در شمال غربى شبه جزيره عربستان، مهم ترين بخش آن به شمار مى رود. كلمه حجاز از ريشه حجز و به معناى فاصله، ميان و مانع است.<sup>۱</sup> وجوه مختلفى براى نام گذارى منطقه بدین نام بيان شده است.<sup>۲</sup>

تعيين دقيق حدود آن، به دليل اختلاف بسيار ميان مورخان و جغرافى نويسان، ممکن نيست.<sup>۳</sup> بر اساس سازگارترين تعريف با موقعيت جغرافيايى منطقه، حجاز در شرق رشته كوه هاى سرات قرار گرفته، و از جهت غرب تا منطقه نجد ادامه یافته است. شمالى ترين بخش شرقى آن، خليج عقبه و

۱. العين، ج ۳، ص ۷۰، «حجز».

۲. نك: معجم البلدان، ج ۲، ص ۲۱۸-۲۱۹؛ صبح الاعشى، ج ۴، ص ۲۵۲.

۳. جغرافيه شبه جزيره العرب، ص ۱۲۰.

۵. منطقه‌ای که در مجاورت دره‌های واقع در قسمت میانی جزیره العرب قرار دارد.<sup>۴</sup> بخش غربی حجاز، با طولانی‌ترین رشته کوه‌های شبه جزیره، یعنی سرات، قرین است. ارتفاعات مشهور دیگری نیز در بخش‌های داخلی حجاز وجود دارند که قعیفمان، ثور، ابوقیس، نور، احد و ورقان از مشهورترین آن‌ها هستند.

مناطق آتشفشانی نیز در برخی از مناطق حجاز وجود دارند و فعالیت‌های آن‌ها، موجب شکل‌گیری مناطقی به نام حره شده است که بیشتر در اطراف مدینه و جهت شمالی آن قرار دارند. مشهورترین حره‌های واقع در این منطقه عبارتند از: حره‌های نار، شوران، سلیم، واقم، حقل، میطان، عویرض و رهاب. برخی از این حره‌ها دارای چشمه‌های آب و پوشش گیاهی فراوانند که خبیر از آن جمله است. ولی به سبب همین ویژگی با نام حره شناخته نمی‌شود.<sup>۵</sup>

در مجاورت ارتفاعات، مناطق پستی به نام وادی وجود دارند که به جهت جریان آب حاصل از بارش در ارتفاعات به این مناطق، اهمیت بسیاری دارند. وادی‌های رمه، عقیق،

جنوبی‌ترین قسمت آن، مناطق جنوبی شهر طائف معرفی شده است.<sup>۱</sup> طول آن، از شمال به جنوب، ۷۰۰ مایل و عرض آن، از شرق به غرب، ۲۵۰ مایل ذکر شده است.<sup>۲</sup> مساحت تقریبی حجاز ۳۸۸/۵۰۰ کیلومتر مربع است و از نگاه مساحتی، جایگاه دوم را در تقسیمات کشور عربستان دارد.<sup>۳</sup>

حجاز، بر اساس ویژگی‌های جغرافیایی، به پنج منطقه تقسیم شده است:

۱. منطقه ساحلی که به تِه‌امه حجاز مشهور است؛ عقبه، مویلح، یثُج، رابغ در این قسمت قرار دارند.

۲. منطقه کوهستانی که به تدریج از ارتفاع آن کاسته می‌شود و در حد فاصل جده و مکه، به کمترین حد خود می‌رسد.

۳. منطقه نجدیه که میان ارتفاعات قرار دارد و از شمال به جنوب از ارتفاع آن کاسته می‌شود؛ شهرهای علا، مکه و مدینه در این قسمت قرار دارند.

۴. مناطق مرتفع متشکل از گدازه‌های آتشفشانی که حره‌های خرمة، خبیر و عویرض در آن قرار دارند.

۱. معجم ما استعجم، ج ۱، ص ۹؛ معجم البلدان، ج ۲، ص ۲۱۹؛

اطلس تاریخ اسلام، ج ۱، ص ۳۹۶-۳۹۷.

۲. جغرافیه شبه جزیره العرب، ص ۱۳۲.

۳. الموسوعة العربية المیسرة، ج ۳، ص ۱۳۱۲.

۴. جزیره العرب فی القرن العشرین، ص ۱۴-۱۵.

۵. المفصل، ج ۱، ص ۱۴۵-۱۴۹؛ معجم البلدان، ج ۲، ص ۲۴۷-

۲۵۲، الموسوعة العربية العالمیه، ج ۸، ص ۶۱-۶۲.

حجاز، در روزگاران کهن آب و هوایی متفاوت داشته‌اند و منابع آب فراوان و پوشش گیاهی مناسب، از ویژگی‌های این منطقه به شمار می‌رفته است. این شرایط آب و هوایی، در گذر زمان، دچار تغییرات اساسی شد و به دنبال آن، ساکنان این مناطق، به مکان‌های دیگر کوچ کردند.<sup>۵</sup> بطلمیوس، جغرافیدان یونانی نیز، با وجود عدم سفر به حجاز، به احتمال بر اساس این باور، در ترسیم نقشه عربستان و حجاز، شهرهای بسیار و نیز چندین رود پرآب را به تصویر کشیده است.<sup>۶</sup> مانند هر مکان دیگر، تأثیر عوامل زیست‌محیطی، بر پراکنندگی جمعیت در حجاز آشکار است. آب، مهم‌ترین عامل گردآمدن جمعیت‌ها بوده و شکل‌گیری روستاها و شهرها، در کنار وادی‌ها و مکان‌هایی که از فراوانی نسبی آب بهره‌مند بودند، صورت گرفته است. نقش اساسی زمزم در شکل‌گیری مکه<sup>۷</sup>، وجود چشمه‌های آب در مدینه<sup>۸</sup> و بهره‌مندی از بارش مناسب در طائف<sup>۹</sup>، گواه این ادعا هستند.

حمض، جزل، فاطمه، قدید، قاحه، صفرا و رقوب از آن جمله‌اند.<sup>۱</sup> واحه‌ها یا بخش‌های قابل کشت نیز در برخی از نقاط حجاز وجود دارند.<sup>۲</sup>

حجاز منطقه‌ای بیابانی و دارای آب و هوای گرم و خشک است و میزان بارش در آن، به جز مناطق کوهستانی، کم است. بارش‌ها، در تابستان و زمستان، موسمی است و میزان آن، در نقاط مختلف، متفاوت است. البته بارش در کوهستان‌ها به جاری شدن آب در وادی‌ها و نیز پیدایش چشمه‌ها منجر می‌شود که نمونه آن شهر طائف است.<sup>۳</sup>

ویژگی محیطی دیگر حجاز، فقر پوشش گیاهی آن است و غیر از خارها و گیاهان خودرو، در بیشتر مناطق، گیاهی مشاهده نمی‌شود. در مناطق کوهستانی و وادی‌ها درختانی چون سرو کوهی، موز، شوره‌گز، گنار، نخل و زیتون مشاهده می‌شود.<sup>۴</sup>

#### ◀ جغرافیای انسانی: برخی از

مستشرقان، بر پایه داده‌های تورات، بر این باورند که تمامی نقاط جزیره العرب، به ویژه

۱. نک: جغرافیه شبه جزیره العرب، ص ۷۳-۷۴.

۲. جغرافیه شبه جزیره العرب، ص ۷۶-۷۹.

۳. اطلس المملكة السعودية العربية، ص ۸۰؛ جغرافیه شبه جزیره العرب، ص ۱۳۳؛ الموسوعه العربية العالمیه، ج ۸، ص ۶۱-۶۲.

۴. موسوعه العربية العالمیه، ج ۸، ص ۶۲-۶۳.

۵. نک: المفصل، ج ۱، ص ۲۴۰ به بعد.

6. see: ptolemi. map6

۷. اخبار مکه، ج ۲، ص ۵۰-۵۴.

۸. جغرافیه شبه جزیره العرب، ص ۱۷۸-۱۸۰.

۹. جزیره العرب فی القرن العشرين، ص ۳۵.

شده نیستند و به نظر می‌رسد ترکیبی از نسل‌های عرب‌های شمالی و جنوبی در این منطقه ساکن بوده باشند. در دوره جاهلی، دو قبیله مشهور اوس و خزرج، بیش‌ترین ساکنان این شهر را تشکیل می‌دادند<sup>۵</sup> و بعد از اسلام، گروهی از قریشیان و بادیه‌نشینان، بدان‌جا مهاجرت کردند.<sup>۶</sup>

طائف، مأوای قبیله ثقیف بود. این قبیله همچنان در طائف و اطراف آن حضور دارند.<sup>۷</sup> بقیه شهرها و روستاهای واقع در حجاز نیز همچنان بافت قبیله‌ای خود را حفظ کرده‌اند و قبیله‌هایی چون عَطَفَان، بنی‌اسد، قُضَاعَه، بلی، جُدَام، جُهینه و مُزینَه در مناطق مختلف حجاز پراکنده‌اند.<sup>۸</sup>

بر اساس سرشماری سال ۱۹۹۱م، جمعیت حجاز ۵/۴۶۳/۰۰۰ نفر و حدود ۳۲ درصد از جمعیت عربستان بوده است.<sup>۹</sup>

◀ **حجاز پیش از اسلام:** آگاهی‌های ما از وضعیت پیش از اسلام شبه جزیره، به ویژه حجاز، به جهت فقر منابع، محدود است. با این

اجتماعات اولیه حجاز، بر پایه شغل‌های ساده‌ای چون دامداری و کشاورزی شکل گرفته‌اند. کشاورزان، به «اهل حضر» (یکجانشینان) و دامداران (عشایر و چادرنشینان) به «اهل وبر» شهره بودند.<sup>۱</sup>

بر پایه اطلاعات برگرفته شده از تورات، قوم افسانه‌ای عَمَالِیق، اولین ساکنان مکه بوده‌اند. با جریان دوباره زمزم در دوره اسماعیل علیه السلام، جُرهمیان در کنار آن ساکن شدند. بعد از مدتی قبیله اُزد از جنوب و در رأس آن‌ها، خُزَاعَه، به آن‌جا هجرت کرده و جرهمیان را به اطراف مکه و تهامه راندند. قُصی بن کِلاب، جد پیامبر صلی الله علیه و آله، توانست بر خزاعیان چیره شود، مکه را از دست آن‌ها خارج کند و بعد از آن، سیادت مکه، با قریشیان بود.<sup>۲</sup> خزاعیان به اطراف مکه رانده شدند که امروزه نیز گروهی از ایشان در نواحی جنوبی مکه سکونت دارند.<sup>۳</sup> همچنین گروهی از عرب‌ها که به قریش نسب می‌برند، در اطراف مکه، یعنی منا، عرفات و اطراف کوه ثور ساکن‌اند.<sup>۴</sup>

ساکنان اولیه شهر مدینه نیز چندان شناخته

۵. نک: تاریخ العرب القديم، ص ۱۸۶-۱۸۸.

۶. نک: السیره النبویه، ج ۱، ص ۴۶۸-۴۶۹.

۷. معجم قبائل المملكة العربية السعودية، ج ۱، ص ۷۰-۷۱.

۸. برای مطالعه تفصیلی پراکندگی قبائل در حجاز نک: معجم

قبائل الحجاز؛ معجم قبائل المملكة العربية.

۹. الموسوعة العربية العالمية، ج ۸، ص ۶۱-۶۲.

۱. موسوعة امرأة الحرمين الشريفين، ج ۵، ص ۱۸.

۲. تاریخ شبه جزیره العربیه فی عصورها القديمه، ص ۱۷۷-۱۷۹.

۳. معجم قبائل مملكة السعودية، ص ۴۶۹.

۴. معجم قبائل الحجاز، ص ۴۱۹.

وجود، یافته‌های مستشرقان و باستان‌شناسان، حاکی از وجود برخی آثار مربوط به ماقبل تاریخ در نقاطی از حجاز است. نشانه‌های تمدنی در تیماء، طائف و وادی فاطمه نیز یافت شده است.<sup>۱</sup>

ثمود، از اقوام مورد اشاره در قرآن، یکی از قدیمی‌ترین اقوام تاریخی است که در بخش‌هایی از حجاز ساکن بوده‌اند و آثاری از آن‌ها، در مناطق مختلف، به دست آمده است. برخی از این آثار مربوط به ۸ قرن قبل از میلاد می‌باشند.<sup>۲</sup>

همچنین نشانه‌هایی از حکومت گروهی از معینان مهاجر، در مناطق شمالی حجاز، در حدود قرن پنجم پیش از میلاد، در منطقه معین مصران، به پایتختی شهر علت (العلاء فعلی) وجود دارد.<sup>۳</sup>

گویا زمامداری حکومت‌های منطقه حجاز، بیشتر بر عهده ملکه‌ها بوده و نام‌های برجای مانده در کتیبه‌ها، چون زبیبی، عدیه، شمسی، ثبوثا تأییدی بر این امر است.<sup>۴</sup>

کتیبه‌ها مطالبی نیز پیرامون تیماء از

دوره‌های بسیار قدیم در بردارند و از حکمرانی ملک بابل نبونید (حک: ۵۳۹-۵۵۵ق.) بر این شهر و قصرسازی در آن و نیز تسلط بر دیدان، خیبر و یثرب، خبر داده‌اند.<sup>۵</sup> نشانه‌هایی از توجه حاکمان ایران باستان به این منطقه نیز یافت شده است که حاکی از اهمیت سوق الجیشی این منطقه در آن دوران است.<sup>۶</sup>

اهمیت فوق‌العاده مکه، به جهت قرار گرفتن در تقاطع راه‌های تجاری حبشه، مصر، فلسطین، سوریه، یمن و خلیج فارس و وجود کعبه در آن، انتظار داده‌های فراوان تاریخی را ایجاد می‌کند. اما به جز روایاتی پراکنده که بیشتر آن‌ها ریشه‌ای اسرائیلی دارند، اطلاعات چندانی در دست نیست.<sup>۷</sup> بطلمیوس، نام مکه را در قرن دوم میلادی مکورابا (Macoraba) ذکر کرده است.<sup>۸</sup>

عمالقه، جرهمیان و خزاعیان، از قبایلی هستند که منابع عربی، از تسلط ایشان بر مکه، سخن رانده و گزارش‌هایی پراکنده و افسانه‌گونه از آنان ارائه داده‌اند که تنها تصویری مبهم از این دوران را به نمایش می‌گذارد.<sup>۹</sup>

۵. تاریخ العرب القديم، ص ۲۵۵؛ المفصل، ج ۲، ص ۲۶۴-۲۶۵.

۶. تاریخ العرب القديم، ص ۴۳۴؛ المفصل، ج ۱، ص ۱۰۴.

۷. تاریخ العرب القديم، ص ۱۶۵-۱۶۸.

8. see: ptolemy. map

۹. مروج الذهب، ج ۲، ص ۲۲-۲۳؛ السیرة النبویه، ج ۱،

ص ۱۱۳-۱۱۴.

۱. المفصل، ج ۱، ص ۱۶۳، ۳۲۹.

۲. المفصل، ج ۱، ص ۳۲۴-۳۲۶؛ تاریخ العرب القديم، ص ۱۶۶.

۳. المفصل، ج ۳، ص ۲۴۵-۲۴۶.

۴. نک: تاریخ شبه جزیره العربیه، ص ۱۲۵؛ تاریخ العرب القديم،

ص ۴۲۵-۴۲۶.

شدند. در مورد مهاجر بودن این یهودیان یا گرویدن ساکنان قبلی به این آیین، اختلاف نظر وجود دارد.<sup>۳</sup>

با افول تمدن یمن، بر اثر تخریب سد مأرب، اختلافات حاکمان سیاسی، حملات متعدد اجباش به یمن و مهاجرت گسترده جنوبی‌ها به مناطق مختلف حجاز، اوس و خزرج از قبیله ازد، در اواخر قرن چهارم میلادی، به یثرب رفته و ابتدا همزیستی مسالمت آمیزی با ساکنان پیشین برقرار کردند. ولی با گذر زمان و قدرت‌گیری ازدیان، اختلافاتی بین ایشان و یهود روی داد و ازدیان، با یاری گرفتن از حاکمان غسانی در شام، یهود را به حاشیه راندند. یهود نیز به اختلاف‌افکنی بین دو قبیله روی آورد و جنگ‌های طولانی‌مدت میان اوس و خزرج، پیش از ظهور اسلام، نتیجه این تلاش‌ها بود.<sup>۴</sup>

در مورد طائف، دیگر شهر مهم حجاز، نیز به جز اشاره به نام قدیم آن و تناسب آن با نام حاکم عمالقی آن، و بنای دیوار آن توسط تاجری از حضرموت، خبر دیگری ذکر نشده است. سنگ‌نبشته‌هایی به زبان‌های نبطی، ثمودی، ابجدی و عربی-اسلامی در اطراف

به گفته این منابع، ظلم و ستم جرمیان در دوره تسلط بر مکه و نیز تعدی و تجاوز آن‌ها به کاروان‌های تجاری، تعداد حاجیان را به شدت کاهش داده بود و عمرو بن لُحی خزاعی، برای حل این مشکل، کعبه را به بتکده تبدیل کرد و هر قبیله را بتی خاص بخشید.<sup>۱</sup>

قصی بن کلاب، جد چهارم پیامبر ﷺ، با اتخاذ روشی هوشمندانه، میان خزاعیان نفوذ کرد و پس از قدرت‌یابی، ایشان را از مکه بیرون کرد و بدین ترتیب قریش قدرتی بی‌رقیب یافت و قصی توانست با وضع قوانینی چند و تقسیم وظایف، سیستمی شبه‌حکومتی در مکه پدید آورد.<sup>۲</sup>

وضعیت مدینه، دیگر شهر مهم حجاز، نیز در دوره پیش از اسلام چندان روشن نیست و با توجه به وجود نام آن در کتیبه‌های معینان، باید از قدمتی دیرینه برخوردار باشد. منابع عربی نیز اطلاعات قابل توجهی از وضعیت پیشین آن ارائه نداده‌اند و خبرهای موجود، بیشتر نمایی افسانه‌ای دارد. بر اساس گفته‌های ایشان، عمالقی، اولین ساکنان مدینه بودند و یهودیان، بعد از غلبه بر ایشان، در آن ساکن

۳. نک: تاریخ العرب القدیم، ص ۱۸۵-۱۸۶.

۴. امتاع الاسماع، ج ۹، ص ۱۷۱-۱۷۴؛ تاریخ العرب القدیم، ص ۱۸۵-۱۸۹.

۱. تاریخ یعقوبی، ج ۱، ص ۲۵۴؛ تاریخ العرب القدیم، ص ۱۷۱.

۲. اخبار مکه، ج ۱، ص ۱۰۹-۱۱۰.

طائف به دست آمده که به احتمال، در آینده، گوشه‌هایی از تاریخ این خطه را روشن سازد.<sup>۱</sup> متون تاریخی بعد از اسلام و نوشته‌های تاریخ جغرافیایی مسلمانان، تصویر روشن و واضحی از گذشته حجاز به دست نمی‌دهند. بر اساس این گزارش‌های آشفته، بنای کعبه به دست حضرت آدم صورت گرفته است.<sup>۲</sup> قبرهای منتسب به حضرت آدم<sup>۳</sup> و حوّا<sup>۴</sup>، تجدید بنای کعبه توسط حضرت ابراهیم<sup>۵</sup> و اسکان اسماعیل، در مهم‌ترین شهر حجاز<sup>۶</sup> و فعالیت‌های تبلیغی حضرت صالح برای قوم ثمود<sup>۷</sup> که آثار تمدنی آن‌ها در نقاط مختلفی از حجاز برجای مانده<sup>۸</sup> - بخشی از اخبار تاریخی منعکس شده مربوط به حجاز در این منابع است.

داستان‌های افسانه‌گونه‌ای از ارسال لشکر یهودی توسط حضرت موسی به یثرب، برای نبرد با عمالیک، در برخی از کتاب‌ها ذکر شده است<sup>۹</sup> که نمی‌تواند ارزش تاریخی داشته باشد

و به احتمال باید برای ساخت پیشینه‌ای کهن برای یهودیان ساکن در مناطق مختلفی چون یثرب، طائف، مکه، خیبر، فدک و تیماء جعل شده باشد.<sup>۱۰</sup> اخباری از تردد اسعد تبّع، از حاکمان حمیری یمن، به مکه و مدینه نیز در منابع عربی بازتاب یافته است که نمایی افسانه‌ای دارد.<sup>۱۱</sup>

چنان‌که اشاره شد، ساختار حجاز قبیله‌ای بود و بافت قبیله‌ای، ویژگی‌های خاصی چون سخاوت، شجاعت، عفت و پاکدامنی و وفای به عهد را میان حجازیان محبوب ساخته بود.<sup>۱۲</sup> برآیند گزارش‌های منابع عربی - اسلامی در مورد حجاز نشان از قدمت توحید و یکتاپرستی در این منطقه دارد و پیروان دو آیین کهن یهود و مسیحیت نیز، در جاهای مختلف حجاز، حضور داشته‌اند.<sup>۱۳</sup> نشانه‌هایی از بزرگداشت موجوداتی نامرئی، در برخی از نقاط حجاز، به چشم می‌خورد.<sup>۱۴</sup>

بت پرستی، در آستانه ظهور اسلام در سراسر شبه جزیره، به ویژه حجاز، گسترش

۱. المفصل، ج ۷، ص ۱۴۳.

۲. اخبار مکه، ج ۱، ص ۳۸.

۳. معجم البلدان، ج ۴، ص ۱۸۳.

۴. بستان السیاحه، ص ۱۹۹؛ المعالم الاثیره، ص ۸۸.

۵. اخبار مکه، ج ۱، ص ۶۱-۶۲.

۶. الاعلاق النفیسه، ص ۲۷.

۷. المفصل، ج ۱، ص ۳۲۶.

۸. الدرّة الثمینة، ص ۲۷؛ معجم البلدان، ج ۵، ص ۸۴.

۹. نک: تاریخ العرب القديم، ص ۸۲-۸۶؛ المفصل، ج ۱۲،

ص ۱۰۳، ۱۵۸-۱۹۷.

۱۰. تاریخ الطبری، ج ۲، ص ۱۰۵؛ تاریخ یعقوبی، ج ۱، ص ۱۹۷-۱۹۸.

۱۱. نک: تاریخ العرب فی عصر الجاهلیه، ص ۴۴۱-۴۴۵.

۱۲. نک: تاریخ العرب القديم، ص ۸۲-۸۶؛ المفصل، ج ۱۲،

ص ۱۰۳، ۱۵۸-۱۹۷.

۱۳. نک: المفصل، ج ۱۲، ص ۲۸۱-۲۸۲.

یافته بود و تنها گروهی محدود که به حنیف شهره بودند، دارای ویژگی‌های ممتازی بوده و از منکرات پرهیز می‌کردند. کلام مشهور جعفر بن ابی طالب در حضور حاکم حبشه<sup>۱</sup>، می‌تواند بیانگر گوشه‌ای از وضعیت فرهنگی دینی حاکم بر مکه، مرکز سیاسی فرهنگی حجاز، باشد.

اقتصاد مناطق مسکونی حجاز بر دامداری، کشاورزی، معادن و تجارت استوار بود. با جهانی شدن اسلام و مورد توجه قرار گرفتن بیش از پیش کعبه و نیز کشف نفت، این اقتصاد دچار تحولی شگرف شد. (← جزيرة العرب)

◀ **حجاز بعد از اسلام:** نگاه اجمالی به شبه جزیره، به ویژه حجاز و گذشته سیاسی اجتماعی آن، ما را با ویژگی‌های منحصر به فردی در این منطقه روبه‌رو می‌سازد. در برداشتن کعبه، گذر راه‌های تجاری مهم از آن، عدم برخورداری از حاکمیت منسجم و قدرتمند، دلاوری و شجاعت ساکنان ناشی از زندگی در محیطی خشک و بی‌آب و علف، روحیه ساده و آسان‌پذیر به جهت دوری از مراکز دینی با پشتوانه‌های سیاسی و قرار نداشتن در کانون توجه قدرت‌های بزرگ روز، از

جمله این ویژگی‌هاست که پتانسیل لازم برای ظهور یک امپراتوری عظیم را فراهم می‌آورد. بعثت پیامبر ﷺ در سال ۶۱۰م. نقطه عطفی در تاریخ حجاز به شمار می‌رود. آیین جدید، تغییراتی شگرف در ابعاد مختلف تاریخ حجاز به وجود آورد.

همچنان‌که اشاره شد، پیش از اسلام، حجاز هیچ گاه شاهد حکومت یکپارچه‌ای نبود و با هجرت پیامبر ﷺ به مدینه در طی ده سال، علاوه بر ایجاد جامعه مدنی در این شهر، مناطق مختلف حجاز نیز به تدریج به اسلام گرویدند. نامه‌نگاری پیامبر ﷺ به سران کشورهای مختلف و در رأس آن‌ها، ایران و روم، نشان از جهان‌شمولی آیین جدید داشت و دقت در برخی از عبارات‌های این نامه‌ها، پیش‌بینی توسعه حکومت حجاز و شکست امپراتوری‌های بزرگ را نمایان می‌سازد.<sup>۲</sup>

رحلت پیامبر ﷺ، نزاع بر سر جانشینی آن حضرت، سرپیچی قبایل مختلف از حکومت مرکزی حجاز و میل آن‌ها به بازگشت به وضعیت پیشین، خطراتی بود که حکومت نوپای حجاز را به شدت تهدید می‌کرد. ولی سکوت مصلحتی حضرت علی علیه السلام و سرکوب شدید قبایل در جنگ‌های موسوم به رده، به

۱. السيرة النبوية، ج ۱، ص ۴۳۶؛ تاریخ یعقوبی، ج ۲، ص ۲۹.

۲. نک: تاریخ یعقوبی، ج ۲، ص ۷۷-۷۸.



دستور ابوبکر و مهار نیروی سرکش داخلی با اعزام ایشان به فتوحات، بحران‌های یادشده را از پیش روی برداشت.<sup>۱</sup>

نام کارگزاران خلفای نخستین در شهرهای مهم حجاز، مانند مکه و طائف، در منابع، کنار شهرهای دیگر در شبه جزیره و خارج از آن ذکر شده است.<sup>۲</sup>

فتح پی‌درپی شهرها و گسیل غنائم و خراج‌های فراوان به حجاز، تغییراتی را در نوع زندگی حاکمان و مردمان آن ایجاد کرد و ساده‌زیستی و شجاعت که از ویژگی‌های اساسی آن‌ها بود، به تجمل و عافیت طلبی بدل کرد.<sup>۳</sup>

در دوره عثمان (حک: ۲۳-۳۵ق.) این دگرگونی فرهنگی به اوج رسید و مشکلات ناشی از این تغییرات، به منصفه ظهور رسید.<sup>۴</sup> حضرت علی علیه السلام نیز با توجه به این امر و عواملی دیگر، مرکز حکومت را به کوفه تغییر داد و این امر، جایگاه سیاسی حجاز را به شدت تحت تأثیر قرار داد.<sup>۵</sup>

امویان نیز، به دلیل سابقه طولانی حکومت

در شام و عدم برخورداری از جایگاه مشروعیتی مناسب در حجاز، انگیزه‌ای برای انتقال مرکز به آن نداشتند و تلاش‌های چندی که از سوی حجازیان، برای برگرداندن مرکزیت قدرت به حجاز صورت گرفت، به شدت سرکوب شد. قیام عبدالله بن زبیر (حک: ۶۳-۷۳ق.) مهم‌ترین حرکتی بود که توانست برای مدتی، مرکزیت سیاسی حجاز را بدان برگرداند. ولی این قیام نیز در سال ۷۳ق.، به دستور عبدالملک بن مروان (حک: ۶۵-۸۶ق.) و توسط حجاج بن یوسف، سرکوب شد.<sup>۶</sup>

عباسیان<sup>۷</sup> نیز، به دلایل راهبردی، مرکز حکومت خویش را در شهرهای عراق قرار دادند و به تعیین والیانی برای حجاز بسنده کردند. (عباسیان) تلاش‌های برخی از علویان، برای قدرت‌گیری در حجاز، ره به جایی نبرد و افرادی چون نفس زکیه (م. ۱۴۵ق.)، شهید فخر (م. ۱۶۹ق.) و معترضان دیگر، به شهادت رسیدند.

با وجود عدم اشتیاق حکومت‌ها برای انتخاب حجاز، به عنوان پایتخت سیاسی، نقش معنوی و مشروعیتی آن همواره مورد توجه حکومت‌ها بود. قرار داشتن خانه کعبه،

۱. نک: تاریخ الطبری، ج ۳، ص ۲۰۳ به بعد.

۲. تاریخ یعقوبی، ج ۲، ص ۱۳۸، ۱۶۱.

۳. نک: تاریخ العرب القديم، ص ۳۰۵.

۴. نک: تاریخ یعقوبی، ج ۲، ص ۱۶۴-۱۷۴.

۵. نک: الفارات، ج ۱، ص ۲۹-۳۰.

۶. اتحاف الوری، ج ۲، ص ۹۶-۹۹.

به سود عباسیان پیش رفت.<sup>۳</sup> در برخی از برهه‌ها، حاکمان یمن نیز سودای سیادت بر حجاز را داشته و در همین راستا حملاتی به مکه تدارک می‌دیدند.<sup>۴</sup>

با از بین رفتن عباسیان در قرن هفتم، زمینه برای سیادت ممالیک (حک: ۶۴۸-۹۲۳ق.) بر حجاز فراهم آمد و نصب و عزل اشراف، به دست حاکمان مملوکی، صورت می‌گرفت. اقدامات فراوان ممالیک در حرمین شریفین و تلاش برای تأمین امنیت راه‌های حج، در منابع انعکاس یافته است.<sup>۵</sup> تلاش سلطان محمد خدابنده ایلخانی، برای تسلط بر حرمین شریفین، با مرگ وی ناکام ماند.<sup>۶</sup>

شریف برکات بن محمد در پی شکست ممالیک از سلطان سلیم عثمانی در ۹۲۳ق. و تسلط عثمانیان بر مصر و شام، فرزند خود، ابونومی دوم را با هدایایی نزد سلطان عثمانی فرستاد و پیروی خود را از او اعلان کرد. او هم حاکمیت اشراف را بر مکه به رسمیت شناخت و حکمرانی برکات و فرزندش محمد

مسجدالنبی، مزار پیامبر ﷺ و اهل بیت (ع)، خلفا و صحابه در حجاز و پتانسیل بالای حج برای مانور سیاسی، توجه ویژه حکومت‌ها به حجاز و به ویژه حرمین شریفین را در پی داشت. کارهای عمرانی بسیاری که در دوره‌های مختلف در مکه و مدینه و راه‌های حج انجام می‌گرفت، در جهت بهبود وجهه دینی حکومت بود.

با روی کار آمدن فاطمیان مصر، از نیمه دوم قرن چهارم و منازعات مشروعیتی آن‌ها با عباسیان، رقابت بر سر سیادت بر حجاز و حرمین شریفین شدت گرفت و فاطمیان، با به کار بردن لقب شریف برای جعفر بن محمد بن حسن، و پس از او به فرزندش حسن بن جعفر که برای تهنیت به دربار المعز خلیفه فاطمی به مصر رفته بود، آن‌ها را به امارت مکه گماردند و همین کار را در مورد حسینی‌های حاکم بر مکه نیز صورت دادند.<sup>۱</sup> حکومت اشراف، از سال ۳۵۸ - ۱۳۴۳ق. بر حرمین شریفین، جز در مواردی نادر، مستمر بود.<sup>۲</sup>

صلاح الدین ایوبی پس از تسلط بر مصر و برانداختن فاطمیان، نفوذ خود را به حجاز و حرمین شریفین گسترش داد و اوضاع، کمی

۳. شفاء الغرام، ج ۲، ص ۲۳۱-۲۳۲؛ تاریخ مکه، ص ۲۲۱.

۴. نک: اتحاف الوری، ج ۳، ص ۳۴؛ تاریخ مکه، ص ۲۳۱-۲۳۳؛ تنضید العقود، ج ۱، ص ۵۰.

۵. خلاصة الكلام، ص ۴۶؛ نک: تاریخ عمارت مسجد الحرام، ص ۵۸-۱۶۲؛ عمارة المسجد النبوی منذ انشائه، ص ۱۸۵ به بعد.

۶. نک: العقد الثمین، ج ۴، ص ۲۳۹.

۱. غایة المرام، ج ۱، ص ۴۸۳-۴۸۵؛ موسوعه مکه المکرمة، ج ۲، ص ۵۸۸.

۲. تاریخ مکه، ص ۴۱۷.

را تأیید کرد. از آن پس، تا حدود ۴ قرن، حجاز زیر نظر عثمانی اداره می‌شد.<sup>۱</sup>

در سال ۱۱۵۷ق، محمد بن عبدالوهاب، با دعوی اصلاحات دینی، به احیای تفکر ابن تیمیه اقدام کرد و با حمایت محمد بن سعود، حاکم شهر درعیه، توانست به نشر آیین ابداعی که بعدها به نام خود وی به وهابیت<sup>۲</sup> شهره گشت، پردازد. حمایت سیاسی و نظامی خاندان سعود، منازعات بسیاری بین آن‌ها و عثمانی را در پی داشت و سرانجام، پس از کشتن و قوس‌های فراوان، در سال ۱۳۴۳ق. کشور مستقل عربستان شکل گرفت و حجاز، به عنوان بخش مهمی از آن، شناخته شد.<sup>۳</sup> (← آل سعود) از آن زمان تاکنون، حجاز به عنوان بخشی از عربستان در حاکمیت سعودی‌ها به سر می‌برد و بر حسب تقسیمات اداری، در سال ۱۹۹۲م، نام حجاز بر ۵ منطقه از ۱۳ منطقه عربستان اطلاق می‌شود.<sup>۴</sup>

### ◀ منابع

انحاف الوری بأخبار أم القرى: عمر بن محمد بن فهد (م. ۸۸۵ق)، محقق محمد شلتوت، مکه، ام القرى، ۱۴۰۳ق؛ احسن التقاسیم فی

۱. حسن الصفاء و الابتهاج، ص ۱۵۰.

۲. نک: تاریخ آل سعود، ج ۱، ص ۳۴-۳۵؛ کشتار مکه، ص ۶۷.

۳. اطلس المملكة العربية السعودية، ص ۱۴-۱۵.

معرفة الاقالیم: محمد بن احمد المقدسی (م. ۳۸۰ق)، قاهره، مکتبه مدبولی، ۱۴۱۱ق؛ اخبار مکه و ما جاء فیها من الآثار: محمد بن عبدالله الازرقی (م. ۲۴۸ق)، به کوشش رشدی الصالح ملحس، بیروت، دار الاندلس، ۱۴۱۶ق؛ اطلس المملكة العربية السعودية: وزارة التعليم العالي، ریاض، مکتبه العبيکان، ۱۴۱۹ق؛ اطلس تاریخ اسلام: گروه نویسندگان زیر نظر عزیز خوشوقت، تهران، تکا، ۱۳۸۹ش؛ الاعلاق النفیسه: احمد بن عمر بن رسته (م. قرن ۳ق)، بیروت، دار صادر، ۱۸۹۲م؛ امتاع الاسماع بما للنبي من الاحوال و الاموال و الحفدة و المتاع: احمد بن علی المقریزی (م. ۸۴۵ق)، به کوشش محمد عبدالحمید النمیسی، بیروت، دار الکتب العلمیه، ۱۴۲۰ق؛ بستان السیاحه: زین العابدین بن اسکندر شیروانی (م. ۱۲۵۳ق)، تهران، سنائی، بی تا؛ تاریخ اشراف الحجاز ۱۸۸۳-۱۸۴۰: خلاصة الکلام فی بیان امراء البلد الحرام: احمد زینی دحلان (م. ۱۳۰۴ق)، قاهره، المطبعة الخیریه، ۱۳۰۵ق؛ تاریخ آل سعود: ناصر سعید، مکه، دار مکه المکرمه، ۱۴۰۴ق؛ تاریخ الطبری (تاریخ الامم و الملوک): محمد بن جریر الطبری (۲۲۴-۳۱۰ق)، تحقیق محمد ابوالفضل ابراهیم، بیروت، دار احیاء التراث العربی؛ تاریخ العرب القديم: توفیق ابرو، دار الفکر، ۱۴۲۲ق؛ تاریخ العرب فی العصر الجاهلیه: عبدالعزیز السالم، بیروت، دار الکتب النهضه العربیه، بی تا؛ تاریخ الیعقوبی: احمد بن ابی یعقوب الیعقوبی (م. ۲۹۲ق)، بیروت، دار صادر، ۱۴۱۵ق؛ تاریخ شبه الجزيرة العربیه فی عصورها القديمه: عبدالعزیز صالح، مصر، مکتبه الانجلو المصریه؛ تاریخ عمارة المسجد الحرام: فوزیه حسین

المسجد النبوي منذ انشائه حتى نهايه العصر المملوكي: محمد هزاع الشهري، قاهره، مكتبة القاهره، ٢٠٠١م؛ العين: خليل بن احمد الفراهيدى (م.١٧٥ق.)، تحقيق مهدي المخزومي و ابراهيم سامرائي، قم، دار الهجره، ١٤٠٩ق؛ الغارات: ابراهيم بن محمد الثقفي (م.٢٨٣ق.)، به كوشش سيد جلال الدين محدث ارموى، انجمن آثار ملي، ١٣٥٦ش؛ غاية المرام باخبار سلطنة البلد الحرام: عبدالعزيز بن عمر بن فهد المكي (م.٩٢٢ق.)، تحقيق شلتوت، مكة المكرمة، جامعة القرى، ١٤٠٦ق؛ كشتار مكه و آينده حرمين: ظفر بنگاش، ترجمه سيد هادي دبستاني، تهران، سروش، ١٣٦٨ش؛ مروج الذهب و معادن الجوهر: على بن الحسين المسعودي (م.٣٤٦ق.)، به كوشش يوسف اسعد داغر، قم، هجرت، ١٤٠٩ق؛ المعالم الأثريه فى السنة و السيره: محمد محمد حسن شراب، بيروت، دار الشاميه، ١٤١١ق؛ معجم البلدان: ياقوت بن عبدالله الحموي (م.٦٢٦ق.)، بيروت، دار صادر، ١٩٩٥م؛ معجم قبائل الحجاز: عاتق بن غيث البلادى، مكة، ١٤٠٣ق؛ معجم قبائل مملكة السعوديه: حمد جاسر، رياض، النادى العربى، ١٤٠١ق؛ معجم ما استعجم من اسماء البلاد و المواضع: عبدالله بن عبدالعزيز البكرى (م.٤٨٧ق.)، تحقيق السقاء، بيروت، عالم الكتب، ١٤٠٣ق؛ المفصل فى تاريخ العرب قبل الاسلام: جواد على عبيدى (١٣٢٤-١٤٠٨ق.)، بيروت، دار الساقى، ١٤٢٢ق؛ الموسوعة العربية العالميه: گروهى از پژوهشگران، رياض، ١٤١٦ق؛ الموسوعة العربية الميسره: بيروت، مكتبة العصريه، ١٤٣١ق؛ موسوعة مرآة الحرمین الشريفين: ايوب صبرى پاشا

مطر، تحقيق عبدالرحمن، مكة، جامعة أم القرى، ١٤٠٦ق؛ تاريخ مكه: احمد السباعى، مكة، مكتبة احياه التراث الاسلامى، ١٤٢٠ق؛ تنفيد العقود السنويه: رضى الدين عاملى (م.١١٦٣ق.)، تحقيق سيد مهدي رجايى، قم، نشر انساب، ١٤٢١ق؛ جزيرة العرب فى القرن العشرين طبيعة جزيرة العرب و حالتها الاجتماعيه الحاضر...دعوة الوهابيين...الحكومات العربيه... الثورة العربيه... ال سعود...مؤتمرات الصلح و المعاهدات: حافظ وهبه، قاهره، مكتبة النهضة المصريه، ١٣٤٠ق؛ جغرافية شبه جزيرة العرب: عمر رضا كحاله، تحقيق احمد على، قاهره، مكتبة النهضة الحديثه، ١٣٨٤ق؛ حسن الصفاء و الابتهاج: احمد الرشيدى (م.١٢٨٢ق.)، تحقيق ليلى عبداللطيف، مصر، مكتبة الخانجى، ١٩٨٠م؛ دراسات فى تاريخ العرب القديم: محمد بيومى مهران، الاسكندريه، دار المعرفه، ١٩٩٣م؛ الدرّة الثمينه فى أخبار المدينه: محمد بن محمود نجار، تحقيق حسين محمد على شكرى، بيروت، دار الارقم؛ السيرة النبويه: عبدالملك بن هشام (م.٢١٨ق.)، تحقيق مصطفى السقاء و عبدالحفيظ شبلى و ابراهيم اليبارى، بيروت، دار المعرفه، بى تا؛ شفاء الغرام باخبار البلد الحرام: محمد بن احمد التقى الفاسى (م.٨٣٢ق.)، تحقيق گروهى از علماء بيروت، دار الكتب العلميه، ١٤٢١ق؛ صبح الاعشى فى صناعة الانشاء: احمد بن على الفلقشندى (م.٨٢١ق.)، بيروت، دار الكتب العلميه، ١٩٨٧؛ العقد الثمين فى تاريخ البلد الامين: محمد بن احمد التقى الفاسى (م.٨٣٢ق.)، تحقيق محمد عبدالقادر عطا، بيروت، دار الكتب العلميه، ١٤١٩ق؛ عمارة

(م. ۱۲۹۰ق.)، قاهره، دار الأفق العربیه،  
۱۴۲۴ق؛ موسوعة مكة المكرمة و المدينة  
المنورة: اشراف احمد زکی یمانی، لندن،  
الفرقان للتراث الاسلامی، ۱۴۲۹ق.

ابوالفضل ربانی



### الحجاز فی صدر الاسلام: تاریخ تحلیلی

حجاز، نوشته صالح احمد العلی

این کتاب از آثار تاریخ تحلیلی منطقه حجاز، با تمرکز بر مکه و مدینه است و کوشیده است احوال مذهبی، اجتماعی و اقتصادی، نظام سیاسی و اداری و حدود جغرافیایی مکه و مدینه را در صدر اسلام به دست دهد.

صالح احمد علی (۱۹۱۸-۲۰۰۳م.) از مترجمان و نویسندگان عراقی و استاد دانشگاه بغداد در شهر موصل به دنیا آمد و تحصیلات ابتدایی و متوسطه را در زادگاه خود به پایان آورد و برای ادامه تحصیلات، به بغداد، قاهره و انگلستان سفر کرد. وی دکترای خود را در رشته تاریخ، از دانشگاه آکسفورد انگلستان، گرفت. صالح احمد، به سبب تألیف این کتاب، جایزه ادبی ملک فیصل در علوم اسلامی را از کشور عربستان سعودی نیز دریافت کرد. از او تألیفات و ترجمه‌های

پرشماری به چاپ رسیده که تنها اثر حاضر، مربوط به مکه و مدینه است.<sup>۱</sup>

صالح احمد، در مقدمه کتاب، هدف از تألیف این اثر را پرداختن به مباحثی می‌خواند که در باور او، بررسی آنها ریشه‌های تغییرات و تحولات اجتماعی، سیاسی و فکری حجاز را نشان می‌دهد. به اعتقاد او، فهم حوادث و تحولات حجاز، بعد از صدر اسلام، وابسته به شناخت موضوعاتی از قبیل نظام اداری و پولی، مالکیت‌های اراضی، نحوه دگرگونی این مالکیت‌ها، اوضاع جغرافیایی، نیازمندی‌های اقتصادی و روند فعالیت‌های کشاورزی حجاز است.

صالح احمد، با شیوه‌ای تحلیلی، به بررسی احوال اجتماعی و اقتصادی حجاز بعد از اسلام پرداخته و نظری نیز به دوره پیش از اسلام داشته است. او گزارش‌های تاریخی منابع کهن تاریخ مکه و مدینه و شرح حال‌نگاری و جز آن را گرد آورده و کوشیده است با تحلیل داده‌ها و محتوای گزارش‌ها، ارتباط میان وقایع و عوامل تاریخی حوادث را کشف، و معرفی کند. صالح احمد خود را تنها کسی می‌شمارد که درباره احوال اقتصادی و نظام اداری حجاز، در صدر اسلام، تحقیقی کامل ارائه کرده و

1. [www.alowaisnet.org/ar/winnersbio/abijiffgihceibejj.aspx](http://www.alowaisnet.org/ar/winnersbio/abijiffgihceibejj.aspx)